



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیر عامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری، تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۰۲۷-۸۸۵۴۲۰۷۵ پنج خط روابط عمومی: ۰۲۱-۸۸۴۹۸۴۴۹
نمابر: ۸۸۴۹۸۴۶۹
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
چاپ همزمان مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

|روزنامه جوان| شماره ۴۲۳۴ | پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ | اول رجب ۱۴۳۵ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۹:۵۱ | اذان مغرب: ۲۰:۰۱ | نیمه شب: شرعی: ۰۱:۰۴ | صبح فردا: ۰۴:۲۸ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۱

بررسی اظهارات متناقض برخی اعضای دولت در حوزه «فرهنگ»

پس از انتشار مستند «من روحانی هستم»

گشت ارشاد دولت برای صدور مجوز تولید مستند!؟

گزارش یک مصطفی شاه‌اکرمی

موافق و مخالف متعدد و متنوعی در سطح جامعه و به خصوص در بین نخبگان فرهنگی به وجود آمد. لزوم اخذ مجوز برای ساخت و تولید مستندی یکی از مباحثی بود که در سستی یا نادرستی آن بحث‌های زیادی را باعث گردید. نظر برخی از مستندسازان کشورمان از جمله «جواد مزدا آبادی»، «محمدرضا عباسیان» و «محمدحسین جعفری‌یان» را در این زمینه جو یا شده ایم که در ذیل می‌آید. جواد مرد آبادی مستندساز در پاسخ به این پرسش خبرنگار «جوان» در این زمینه صرفنظر از بحث



مفروض درستی و محسنت قانون‌مندبودن در تمام حوزه‌ها و لزوم بر کُردن حرف‌ها و خلأهای قانونی، آیاالزام و منوط کردن تولیدفیلم «هستند» به اخذ مجوز با روح آزادیگی و واقع‌نمایی که وظیفه اصلی هر مستندی است، تنافر و تضادی ندارد، می‌گوید: واقعیت این است که من به شخصه آثار مستندی را که تولید کرده‌ام به جهت تحت‌الحمایه بودن از جانب مرکز مستندسازی و تجربی معمولاً بعد از ارائه و تأیید طرح اولیه، شروع می‌کردم و مابقی مراحل و سایر اخذ مجوزهای لازم توسط خود مرکز مستند تهیه می‌شده‌است. اما اگر کسی خودش به تنهایی و به تمبوری با هزینه شخصی یا خصوصی مستندی را بسازد، مسئله فرق می‌کند. واقعیت دیگری را هم که لازم است به آن اشاره کنم، این است که فیلمساز هر چندر محدودتر بشود این محدودیت‌ها در نهایت روی کیفیت و روند تولید فیلمش تأثیرات منفی می‌گذارد. سینمای مستند ماحصل و بر خاسته از کشف و شهود فیلمساز و تابع شرایط محیط است و خط سیر نگاه کلی هدفمند یک فیلمساز است که مستند را به اثری خوب باید تبدیل می‌کند. بنابراین وقتی صحبت از گرفتن مجوز و اینکه مباحث می‌شود که تا کنون وجود نداشته، بالطبع باعث ایجاد محدودیت و آزار فیلمساز می‌گردند.

وی می‌گوید: بحث شما کاملاً درست است اما

درباره مجوز واخذ آن برای تولید مستند به راه افتاده است، صرفاًتمرکز روی موضوع مستند است. باین حال فقط می‌توانم این آرزو را داشته باشم که اگر قرار است صحت یا با افرادی برای دادن مجوزفعال شوند، امیدوارم مجبور نشویم که آثاری مطلق میل و خط فکری و سیر ذهنی آن افراد را بسازیم!

وی در پایان می‌گوید: تعریف شدن ساز و کار قانونی برای هر کاری نیکو و پسندیده است، اما پس از ساخت و انتشار مستند «من روحانی هستم» یک سری جهت‌گیری‌هایی به وجود آمده‌است که از این بعد باید برای تولید مستند هم مجوز صادر گردد. **■ مستند همین حال در حال احتضار است!** محمدرضا عباسیان مستندساز و دبیر سابق جشنواره فیلم فجر در گفت و گویا خبرنگارگاز همزمان‌اش با اکران این مستند چنین قضایی می‌کند: نفس اینکه همه چیز قانونی باشد اقدام و نگاه بسیار مطلوب و پسندیده‌ای است. اما دو تا نکته وجود دارد: یکی اینکه چرا همزمان با این اتفاق (اکران و پخش مستند «من روحانی هستم») و همانطور که گفتیم این مسئله بیشتر بوی سانسور و کنترل از آن به مشام می‌رسد. فارغ از اینکه این مستند اثر خوب یا بد یا صحیح یا غلطی است (چون من آن را ندیده‌ام) اما باز هم عرض می‌کنم که همزمانی اقدامات و اظهارات دولتی‌ها در باره مسائلی

تلویزیون برنامه ندارد اما با وعده ما را سرگرم می‌کند

گدریچه

محمدصادق عابدینی

ماهی را بگیرم پس آن ۹ نای دیگر که بعد از آن خواهم گرفت در مجموع ۱۰ ماهی قصبه آن مرد ماهی‌گیر شبیه سربال‌سازی‌های صدا و سیما در حوزه سربال‌های الف و یزه یا همان فاخر است. سربال‌هایی که باید سالانه حداقل یکی از آنها پخش گردد و کلید تولید سربال زده شود تا دست سیما برای سال‌های بعدی خالی نباشد. اما روزی مدیران تنها یک سربال است و چند طرح نصفه و نیمه که معلوم نیست باید یا آنها چه کار کرد.

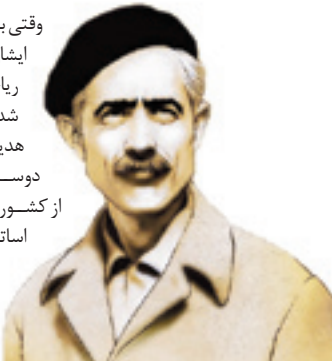
از زمانی که «عممای شاه» به عنوان آخرین پروژه الف و یزه می‌آماده پخش شده‌است، تا به حال خبری از تولید سربال جدید نیامده‌است. با آنکه مدیران سیما در هر محفل خبری یا مصاحبه‌ای از آمادگی ساخت و تولید سربال‌های جدید خبر داده‌اند، اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود، خاک خوردن پروژه‌ها در همان حد فیلمنامه یا حداکثر پیش تولید سربال است. صدا و سیما می‌ها خیلی اصرار دارد، بگوید که می‌توانند اوضاع بی‌سر‌پالی‌شان از سر و سامان دهند و کارهای بزرگی را به انجام برسانند. ولی همین اصرار‌های بی‌مورد بعضی وقت‌ها با تناقض گویی‌ها روبه‌رو می‌شود که کل مسئله را زیر سؤال می‌برد. برای مثال همین چند روز پیش بود که معاون طرح و برنامه صدا و سیما در نشست خبری حضور پیدا کرد تا برنامه‌های نمایشی سیما را برای امسال و سال آینده تشریح کند. در این جلسه از وی درباره سرنوشت سربال‌های الف و یزه‌ای که قرار بود ساخته شوند، هنوز ساخته نشده‌اند، پرسیدند: درباره سربال سلمان فارسی که می‌بایقری قرار بود بسازد یا موسی(ع) که سلحشور می‌خواهد با ساخت آن ادامه سربال‌ها داشته باشد؟ او را تا دوران حضرت موسی روایت کند و حتی درباره پوربای ولی که جعفری جوزانی مدت‌هاست که ساز ساختن آن را کوک کرده اما هیچ صدای از آن در نمی‌آید. جواب عباس فاطمی به این سوال خیلی روشن و ساده بود؛ تا وقتی

گ ارتباط با ولایت

اگر عکس شهید در مسجد

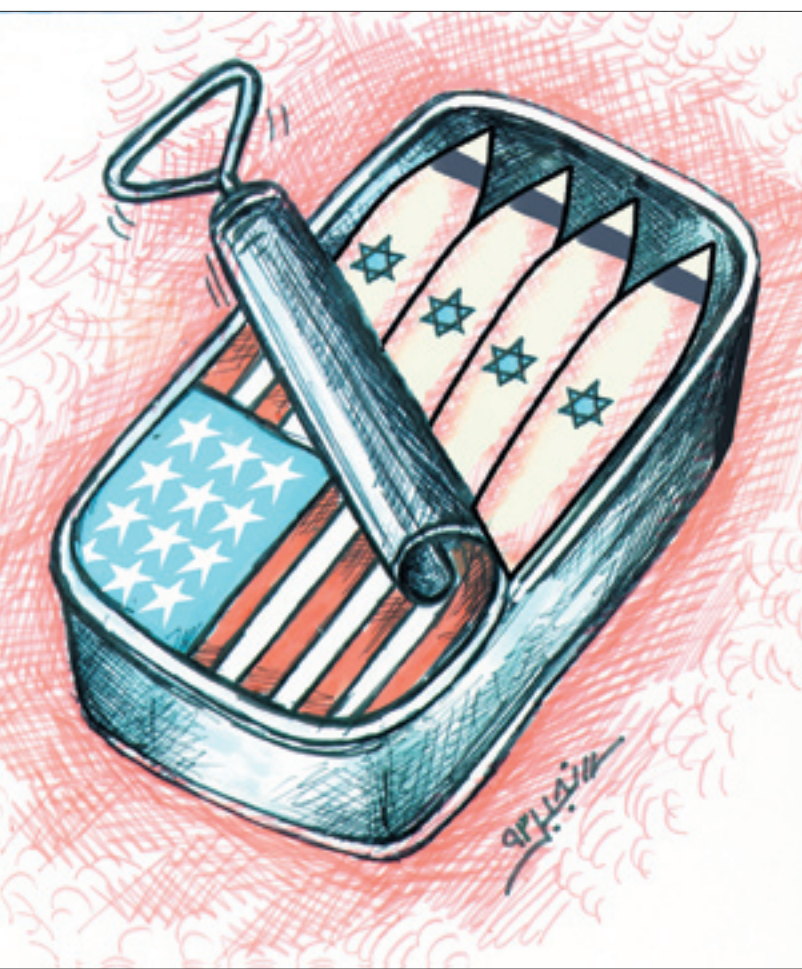
به نحوی نصب گردد که پشت سر نمازگزاران واقع نشود، آیا از نظر شرعی اشکال دارد؟

ج: وجود عکس در جایی‌که نماز می‌خوانند اشکال ندارد، اگرچه مکروه است ولی با پوشاندن آن در هنگام نماز، کراهت برداشته می‌شود.



وقتی بعد از فوت سیمین دانشور با خبر شدم که ویکتوریای دانشور (خواهر ایشان) با توجه به درگیری که بین وی و دختر خوانده خانم دانشور (لیلی ریاحی) بود، در منزل سیمین خانم مستقر شده، بی‌اغراق خوشحال شدم. خانه‌ای که با دست‌های جلال آل احمد ساخته و به سیمین خانم هدیه شده بود، چرا که چندی قبل از آن، بعد از فوت منصوره حسینی، دوست و استناد عزیزم به دلیل نبود ورثه (البته تنها پسرش در خارج از کشور زندگی می‌کند) تمام اموالش اعم از تابلوهای نقاشی(آثاری از اساتید حسین قوثر آغاسی، سهراب سپهری، چنگیز شهوق و منصوره حسینی)، مجسمه‌ها، دستنوشته‌ها و... از طرف فرهنگستان هنر از منزل وی جمع‌آوری و منزل وی که گالری نقاشی در سه طبقه بود به خوابگاه دخترانه‌ای مبدل شد. اما این خوشحالی دبری

گ نما |موسس، رنجبر



پیشنهاد ۵ نویسنده در گفت‌وگو با «جوان»

برای خرید کتاب‌های حاضر در نمایشگاه

شرح اسم، آه‌باشین و گرگ‌سالی، پیشنهاد نویسندگان

گزارش ۲ سبیده آماده

هسوی این روزهای شهر، پای صحبت نویسندگان نشستیم تا از آثار جدیدشان در این دوره از نمایشگاه و کتاب‌های پیشنهادی‌شان برای خرید بپرسیم. به گزارش «جوان»، بیست و هفتمین دوره از نمایشگاه کتاب از روز گذشته آغاز به کار کرد تا بار دیگر بین‌المللی کتاب از نظر تعداد ناشران و نویسندگان در نمایشگاه، سوژالی که برای غالب مراجعان پیش می‌آید این است که در میان این همه نام و کتاب، کدام را باید انتخاب کنند. محمدکاظم مزینانی با اشاره به اثری که با آن در بیست و هفتمین دوره از نمایشگاه کتاب حضور پیدا کرده است، به «جوان» می‌گوید: کتاب «آه باشین» دارای ۳۵۵ صفحه و با تیراژ ۲۵۰۰ نسخه از سوی سوره مهر حوزه هنری منتشر شده است و دارای شش فصل نظیر «آنهايي‌ها»، «سال سن»، «باغ‌های بی سرت»، «کلت و کلت»، «از افلاک تا کراک» و «پنجاهي‌ها؟». است. وی با اشاره به اینکه «آه باشین» از تباطی با اولین رمانش «شاه باشین» ندارد، ادامه می‌دهد: «آه باشین» راوی فعالیت یک مبارز انقلابی چپ و با افکار کمونیستی است که از سال‌های دهه ۱۰ شمسی و



بدو تولد شخصیت اصلی داستان آغاز می‌شود و تا سال ۹۰

ادامه دارد. در این رمان به نوعی به پارادوکس‌های نسلی بین شخصیت اصلی و فرزندش اشاره شده است و کتاب در واقع قسمت دوم یک تلویزی دربارۀ اوضاع قبل از انقلاب است و وقایع تاریخی تمام ادوار معاصر نقب می‌زند.

■ «گرگ‌سالی» فردی در نمایشگاه

محمد ناصری، نویسنده هم در گفت‌وگو با «جوان»، کتاب گرگ‌سالی امیر حسین فردی را به مراجعان این روزهای نمایشگاه کتاب معرفی می‌کند. وی در این خصوص اظهار می‌کند: امیرحسین فردی رمان «گرگ‌سالی» را در آخرین روزهای عمرش برای انتشارش آماده کرده بود و این رمان ادامه‌ای بود برای رمان موفق اسماعیل که با موضوعی ضد استعماری به رشته تحریر در آمده‌است. وی ادامه می‌دهد: کتاب گرگ‌سالی که در ۹ فصل در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسید است، پیش از انقلاب اسلامی را روایت می‌کند که امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در اطراف مجتمع اقتصادی – کشاورزی مغان دست به اصلاح نژاد گرگ‌ها می‌زنند، اما این گرگ‌های اصلاح‌نژادی توسط امریکایی‌ها مبدل به گرگ‌های آدمخوار می‌شوند و زندگی را بر مردم منطقه تنگ می‌کنند.

■ «شرح اسم» و «فرهنگ ناموران ایران»

محمد روشن بخش نویسنده در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به اینکه موضوعات تاریخ معاصر و تاریخ اجتماعی از نیازهای این دوره از جامعه هستند، می‌گوید: متأسفانه کتاب‌های تاریخ معاصر و تاریخ اجتماعی در نمایشگاه کتاب لازم است و نمونه‌هایی که هستند هم غالباً از کیفیت لازم برخوردار نیستند. وی ادامه می‌دهد: در میان گزینۀ‌های حوزه تاریخ معاصر در این دوره از نمایشگاه، من دو کتاب فرهنگ

حاشیه خبر فروش خانه جلال آل احمد و سیمین دانشور

نیاپید و با خبری از سوی جناب آقای مهدی قاطلانی، مبنی بر اینکه خانه جلال و سیمین دانشور از سوی خواهرش ویکتوریای فروخته شده، مبدل به بهت شد. با تماسی با خانم ویکتوریای دانشور پیگیر ماجرا شدم که در کمال ناباوری ایشان صحت خبر را تأیید و با جمله «پدید بشوم تیر بترکم بگیرد» بر بهت و تأسفم افزود. واقعاً جمله «با احساسات جوان‌ها بازی میشه» رو برای همین مواقع گفتن! امروز صبح هم در تماسی که با خانم ویکتوریای دانشور داشتم با خبر شدم که امروز خانه را تخلیه کرده و به منزل سابق خودشان باز می‌گردند. واقعاً از روز گذشته بعد از شنیدن این خبر تا به امروز در بهت بودم اما کم‌کم به این نتیجه رسیدم که اگر سیمین دانشورها و منصوره حسینی‌ها کمی مرگ را باور داشتند، خیلی پیشتر وصیتنامه‌ای برای خود تهیه می‌کردند تا به درستی از یادگارهایشان محافظت شود، همانطور که جلال آل احمد قبل از سفر حبش وصیتنامه‌ای برای خود نوشته بود.

پایان نشست سرگردی

غلامرضا صدقیان

استاد قرائتی!

مطهری مثنوی را

عامل خباثت نمی‌دانست

استاد حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی در سومین همایش تجلیل از چهره‌های برتر تبلیغ استان تهران که برپروز برگزار شد، نقدی را بر مثنوی مولانا وارد کرد ده‌دانه که نگارنده صرفاً از یک زاویه خاص به نکاتی درباره آن اشاره می‌کند، یعنی قصدی نیست که بگوییم مصداق گرفتن داستان مثنوی از آن آیه قرآن، مصداق و مقایسه درستی نیست یا اینکه به کار بردن چنان تعبیر خشنی برای مثنوی دور از انصاف است، زیرا اولاً سواد قرآنی آقای قرائتی آنقدر بالا هست که ایشان از کس دیگری در این باره مطلبی را نپذیرند و دیگر اینکه وقتی کسی درباره یک اثر معنوی، نظری به این حد از قاطعیت دارد، تغییر دادن آن هم کار امثال ماها نیست.

استاد قرائتی در این همایش با ذکر آیه ۹۰ سوره مریم، می‌گوید: «اگر کسی خداوند را جسم توصیف کند، اگر زمین و آسمان بشکافند، جا دارد و آن وقت ما این مطالبی را که کاملاً ضد قرآن است، در کتاب‌های درسی وارد کردیم. ما وقتی که عرفان‌مان را از مثنوی می‌گیریم به این خیانت‌ها می‌افتیم!» (۱) که خداوند بزرگ‌تری غشیش را در این خصوص بیان می‌کند. موسی(ع) مبعوث شده تا خرافات را از بین ببرد اما در این شعر(موسی و شیاب مثنوی) موسی مواخذ می‌شود و این شعر کاملاً ضد بعثت انبیا است.»

آن زاویه مخصوص مورد نظر نگارنده، تفاوت فاحش دیدگاه آقای قرائتی با استاد خود، شهید مرتضی مطهری است. این زاویه نگاه می‌تواند هم برای استاد قرائتی و هم برای خیل جوانانی که مثنوی می‌خوانند و به آقای قرائتی هم عشق می‌ورزند، روشنگر باشد تا شاید ملاً ماجرا به این حد مختصر شود که فلان داستان مثنوی از نظر آقای قرائتی مناسب نیست، نه اینکه همه آن ما را به خباثت می‌اندازد.

برای آگاهی از نظر استاد شهید مرتضی مطهری، بهترین گواه رهبر معظم انقلاب هستند که در ۲۵ شهریور ۱۳۸۷ در دیدار سالانه خود با شاعران در ماه رمضان می‌فرمایند: «یک بخش مهمی از شعر آئینی ما می‌تواند متوجه مسائل عرفانی و معنوی بشود و این هم یک درسی عظیمی است. شعر مولوی را شما ببینید، اگر فرض کنید کسی به دیوان شمس به خاطر زبان مخصوص و حالت مخصوص دسترسی نداشته باشد که خیلی از ماها دسترسی نداریم و اگر آن را کسی یک قدری دور دست بداند، مثنوی که خودش می‌گوید و هو اصول اصول الدین. واقعاً اعتقاد من هم همین است. یک وقتی مرحوم آقای مطهری از من پرسیدند نظر شما راجع به مثنوی چیست، همین را گفتم. گفتم: به نظر من مثنوی همین است که خودش گفته؛ و هو اصول... ایشان گفت کاملاً درست است، من هم عقیده‌ام همین است.»

حتماً می‌پرسید چرا فقط از شهید مطهری دلیل می‌آورم، در حالی که رهبر انقلاب نیز بر همین نظرند. پاسخ این پرسش آن است که سرچشمه اندیشه دینی جوانانی که اتفاقاً پای سخنان استاد قرائتی هم می‌نشینند، آثار به ماندن از استاد شهید مطهری است و اگر اختلافی تا به این حد تکان دهنده در برداشت وجود داشته باشد، جوانان را نسبت به دانسته‌ها و اندوخته‌هایشان در تردید بزرگ می‌اندازد و این یک خطر است. در حالی که درباره نظر رهبر انقلاب می‌توان ادعا کرد که این یک موضوع سیاسی نیست که اختلاف در آن قابل بحث باشد و گرنه این فقط شهید مطهری نبوده است که چنین نظری داشته بلکه در میان علمای شیعه کم نبوده‌اند بزرگانی از گذشته تا معاصر مثل علامه بزرگوار محمدتقی جعفری که چنین می‌اندیشیده‌اند. مخاطبان را ار جاع می‌دهم به سخنرانی پر معنا و عمیق حضرت امام(ره) که پس از شهادت شهید مطهری بیان فرمودند و در بخشی از آن، شعری از مثنوی مولانا را قرائت کردند: «نهضت ما زنده شد. تمام اقشار ایران، باز زندگی‌اش ز سر گرفت. اگر یک سستی، ضعیفی پیدا کرده بود، زنده شد. اگر نبود شهادت این مرد بزرگ و اگر مرده بود این مرد بزرگ در بستر خودش، این تأیید نمی‌شد؛ این موج بر نمی‌خاست. الان موجی در همه دنیا، همه دنیا، همه دنیایی که به اسلام علاقه دارند، این موج بلند شد. سایر کشورها هم؛ برادران من نترسید از موج.

او که مردن پیش چشمش «تَهْلُکَه/ است / نهی» «لا تُلْقُوا» بگیرد آن به دست.

مردن تهلکه نیست؛ مردن حیات است. آن عالم، حیات است؛ این عالم مرده است. از مردن نترسید و نمی‌ترسیم.»

حتماً اختلافی در این مفهوم نیست که اگر حضرت امام نیز مثنوی را «موجب خباثت» می‌دانستند، به اشعار آن ارجاع نمی‌دادند، زیرا چه بسا کسانی که با شنیدن این اشعار به سراغ مرجع آن می‌روند و به دام آن دام گستر بی‌دلیل هم عصار می‌افتند!

مثنوی قرن‌هاست که منشأ اثر معنوی در خوانندگان اهل معنای خویش است و این خود دلیلی برای اثبات مثنوی است. هر چند که به مذاق برخی از اهل علم خوش نیاید. همچنان که درباره بیشتر عرفا اینچنین است و از جمله عارف نامی قرن ششم ابن‌عربی که همه ما از میزان ارادت حضرت نامی (ره) به او مطلعیم. اگر کسی به ابن‌عربی اعتقاد داشته باشد، نمی‌تواند به آن ادعای بزرگ که در مقدمه قصص الحکم می‌اعتقاد باشد که گفته است (تقل به مضمون)، «در رؤیای پیامبر اسلام، قصص الحکم را به دست من داد و فرمود این کتاب را به امت من ابلاغ کن.» اگر ابن‌عربی را باور کنیم، باید توجه خاص پیامبر به او را ببذیریم و آن وقت مخالفتش کار دشواری پیش‌رو خواهند داشت. همچنان که مخالفان مولانا که مثنوی را برآمده از نای جان دوست می‌دانسته است.

این روزها و سال‌ها و قرن‌ها نیز می‌گذرد و اگر در قرن‌های آینده از دانش آموزی پرسند «باخلاق را از کج آموختی؟» بی‌شک، پلادرنگ از مثنوی گواه می‌آورد و می‌گوید: «از علی‌آموز اخلاص عمل!^۱ با آنکه مولانا جز یک حسام الدین و کاغذهای پرکنده هیچ وسیله تبلیغی شبیه تلویزیون و وسایل مکتوب ارتباط جمعی که ما اکنون در اختیار داریم، نداشته است!